

## جایگاه و اعتبار رقابتی توافق عدم رقابت: مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران

ابراهیم رهبری\*

### چکیده

وضعیت توافق عدم رقابت از منظر قواعد حقوق رقابت، همواره مورد مناقشه بوده است. این مقاله پس از شرح مفهوم، شرایط اعتبار و جایگاه کلی توافق عدم رقابت، به تحلیل نوع رویکرد حقوق آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران نسبت به این قرارداد می‌پردازد. مطالعه تطبیقی، حکایت از کاستی‌ها، خلأها و رهیافت‌های غیر اصولی مقررات رقابتی کشورمان نسبت به این دست توافقات دارد. بر این اساس، این مقاله پیشنهادی مبتنی بر قواعد تثبیت شده در این حوزه را در جهت زدودن ابهامات و شفاف ساختن وضعیت توافق عدم رقابت ارائه می‌کند تا این پیمان در پرتو فضای خاص رقابتی ایران، بتواند همسو با اهداف رقابتی، نقش حمایتی خود را به نحو کاراتری ایفا نماید.

واژه‌های کلیدی: توافق عدم رقابت، حقوق رقابت، حقوق مالکیت فکری، رویه‌ها و توافقات محدودکننده، توافقات مظنون رقابتی.

### ۱. مقدمه

قرارداد عدم رقابت، پیمانی تبعی است که به موجب آن، شخصی تعهد می‌نماید تا به منظور حفظ منافع مشروعی، برای مدت محدود و متعارف و در قلمرو جغرافیایی مشخصی که متناسب با حدود منافع متعهد له هستند، به نحو مستقیم یا غیر مستقیم، از انجام فعالیت‌هایی که متضمن رقابت با متعهد له باشد، خودداری نماید. به جهت تضییقاتی که توافق عدم رقابت ایجاد می‌کند، در نگاه نخستین، به دیده شک بدان نگریسته می‌شود در حقوق غالب کشورها اصل اولیه، بی‌اعتباری توافق مزبور است. (رهبری و کاظمی آهوئی، ۱۳۹۱: ۷-۴۶)

از منظر حقوق رقابت، گاه طبع ضد رقابتی برخی از توافقات هویدا بوده و حسب ماهیت و آثار، همواره تبعات ناگواری بر بازار داشته و بنیان رقابت را سست می‌کنند و از این رو به‌طور قطعی، باید چنین توافقاتی را ضد رقابتی و بی‌اعتبار انگاشت. در حقوق آمریکا این تضییقات به تحدیدات «نامشروع ذاتی»<sup>۱</sup> معروف بوده و حقوق اتحادیه اروپا از آن‌ها تحت عنوان ترتیبات ممنوع «محض»<sup>۲</sup> یاد کرده است؛ اما غالب تضییقات قراردادی چهره‌ای دوگانه داشته و مظنون به داشتن پیامدهای ضد رقابتی هستند؛ یعنی در عین آنکه می‌توانند ابزاری در خدمت رقابت باشند، ممکن است با کاربرد ناروا، مبدل به وسیله‌ای برای تعرض به رقابت گردند. در حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا، روند ارزیابی رقابتی آن‌ها بر اساس معیارهای خاصی صورت می‌گیرد. هرچند امکان دارد این توافقات مظنون، با برخورداری از عناصری خاص، مشمول معافیت‌های کلی شده و از فرایند کنکاش رقابتی معاف شوند. (رهبری، ۱۳۹۳: ۳۸۵ تا آخر)

اما پرسش اصلی اینجاست که توافق عدم رقابت در زمره کدام یک از توافقات و رویه‌های نامشروع، یا مظنون قرار داشته و نحوه مواجهه موازین رقابتی با این دست توافقات چگونه است؟ امری که مستلزم تحلیل نوع رویکرد حقوق آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران نسبت به این مقوله است.

## ۲. قواعد ارزیابی رقابتی توافق عدم رقابت در حقوق آمریکا

### ۲.۱. جایگاه توافق در قواعد رقابتی حاکم بر قراردادها

ممکن است استفاده از توافق عدم رقابت، برای تحقق اهداف نامشروع باشد؛ دشواری اثبات مقاصد ضد رقابتی در چنین وضعیتی پوشیده نیست و از این رو، به مرور در حقوق آمریکا، ضابطه‌ای برای بررسی اعتبار ترتیباتی نظیر آن شکل گرفت. به موجب این قاعده، در کنار بخشی از توافقاتی که فی‌نفسه و به‌طور ذاتی در تعارض با موازین حمایتی رقابتی قرار می‌گیرند، اعتبار و اثر پاره‌ای دیگر را باید با نگرش ویژه‌ای محک زد و با اعمال «قاعده معقولیت»<sup>۳</sup> که مبتنی بر تحلیل‌های اقتصادی و ملاحظات رقابتی است، به بررسی دقیق ابعاد آن‌ها پرداخت. (Lerner, 2000: 9-10)

پیمان عدم رقابت را عموماً نمی‌توان نسبت به بنیان‌های رقابتی فی‌نفسه مسالمت‌جو و یا ذاتاً متجاوزانه دانست. بلکه تصمیم قطعی در این خصوص، نیاز به تحلیلی دارد که در نظام رقابتی آمریکا، با اعمال قاعده معقولیت میسر می‌گردد. (Fillip, 2005: 4-7) رویه قضایی از دیرباز بر این باور بوده است که توافق عدم رقابت باید در پرتو چنین رهیافتی مورد بررسی قرار گیرد. در پرونده‌ای<sup>۴</sup> دادگاه بیان داشت که اگرچه محدودیت باید از معقولیت نسبی برخوردار باشد، اما چنانچه از دیدگاه رقابتی، محدودیت، غیر منصفانه انگاشته شود، قاعده معقولیت مانع از اعتبار آن می‌گردد. (Kamerling & Osman, 2004: 30)

دادگاه عالی آمریکا، نگاه سخت‌گیرانه قوانین رقابتی در قبال هر نوع توافق محدود کننده رقابت را با قاعده «ارزیابی محدودیت‌های تجاری»<sup>۵</sup> تعدیل کرده است. بر اساس این موازین، معیار واقعی غیرقانونی بودن توافق عدم رقابت، مبتنی بر این فرض است که آیا پیمان صرفاً باعث تنظیم و ارتقای رقابت می‌شود، یا ممکن است باعث تضعیف یا حتی زوال رقابت گردد و در حقیقت آنچه به نحو منطقی از مفاد مواد قانونی برداشت می‌شود، ممنوعیت محدودیت‌های غیرمعقول است. (Cartensen, 2009: html) وفق این شاخص، مراجع ذیصلاح به ارزیابی دقیق و عمیق توافق می‌پردازند و با تأمل در آثاری که محدودیت به سود رقابت و افزایش کارایی بازارهای تجاری دارد و همچنین نتایج سوء و هزینه‌های غیرمعارفی که احتمالاً متوجه جریان رقابت و

تجارت خواهد کرد، به داوری می‌نشینند. (Bhagwati & Hudec, 1996: 331) بررسی نفوذ و اعتبار توافق عدم رقابت به موجب قاعده معقولیت، نوعی نبوده و بسیار وابسته به اوضاع و احوال خاص هر قرارداد و با لحاظ مؤلفه‌های مختلف است. (Kamerling & Osman, 2004: 14) در پرونده *Edwards v. Athena Capital Advisors* (2007) از قاعده معقولیت، به عنوان سنگ بنای ارزیابی اعتبار توافق عدم رقابت یاد شده که به شدت وابسته به شرایط حاکم بر هر قضیه است.<sup>۶</sup>

## ۲.۲. نحوه اجرای قاعده معقولیت نسبت به قرارداد عدم رقابت

مراجع قانونی در روند بررسی تحدیداتی از این دست در پرتو قاعده معقولیت، باید عواملی چند را ملحوظ دارند تا به درک صحیحی از تبعات رقابتی آن‌ها برسند:

- هدف محدودیت: در جهت‌دهی به تلقی مرجع قضایی یا رقابتی از این تحدیدات، غایت فراروی توافق، نقش مهمی دارد. (Alese, 2008: 22) به‌طور کلی قاعده معقولیت در پی احراز آن است که آیا محدودیت‌های مندرج در قرارداد، فرع بر تحقق اهداف معتبر و قانونی بوده و در راستای انتظارات معقول طرفین از قرارداد مزبور مقرر شده‌اند و یا آنکه تضییقات مزبور پوششی از مشروعیت در بر دارند، ولی در بطن خود، غایت تحریف در رقابت و دور زدن مقررات ضد انحصار را دنبال می‌کنند. در حقیقت اعتبار محدودیت در گرو آن است که ماهیتاً و حسب آثار، از نقطه عزیمت مشروع حقوقی خود، فراتر نرود. اگر محدودیتی که شرط عدم رقابت پدید می‌آورد به طرز معقولی در پیوند و در سایه هدف اساسی قرارداد باشد، تضییقات وارده فرعی قلمداد شده و به احتمال بیشتری مورد تأیید قرار می‌گیرد. ولی اگر باز داشتن دیگران از رقابت، مقصود اصلی توافق باشد، تضییقی هویدا خواهد بود که با سهولت بیشتری تحت قواعد ضد انحصار رد می‌شود. (Hovenkamp, 2002: 30-3). در پرونده‌ای به موجب قرارداد منع تماس سرد، چند بنگاه از جمله اپل، گوگل و اینتل توافق کردند که از برقراری هرگونه ارتباطی با متخصصان بنگاه دیگر به منظور دادن پیشنهاد فرصت شغلی جدید، به هر طریقی از جمله دیدار، ارسال رایانامه و برقراری تماس تلفنی و غیره خودداری ورزند. وزارت دادگستری آمریکا در مقام متولی رقابت، در سال ۲۰۱۰

پرونده‌ای در این زمینه گشوده و مدعی بود که این توافقات متقابل که فاقد محدودیت‌های موضوعی، زمانی و مکانی هستند، ضد رقابتی محسوب می‌شوند؛ چراکه روند رقابت را به طرز قابل توجهی تغییر داده و فرصت‌های بهتر شغلی و پیشرفت را از کارکنان سلب می‌کنند. به علاوه اینکه پیمان مزبور فرع بر قرارداد دیگری نیست تا برای حفاظت از منافع مشروع آن، تمسک به این نوع خاص از توافق عدم رقابت موجه باشد. در نهایت متعاقب سازش‌نامه‌ای در سال ۲۰۱۲ مقرر گردید که بنگاه‌های مزبور برای یک بازه زمانی ۵ ساله، از انعقاد هر نوع توافق مانع استخدام و جابجایی کارکنان از جمله تماس سرد یا عدم ترغیب اجتناب کنند. در همین راستا در سال ۲۰۱۱ یک دعوای جمعی از جانب ۶۴۰۰۰ کارکنان این بنگاه‌ها مطرح شد که خواستار غرامتی بالغ بر ۳ میلیارد دلار از کارفرمایان خود شدند که بر اساس مقررات ضد انحصار، ۳ برابر شده و به رقم ۹ میلیارد دلار می‌رسد. مستخدمان اظهار داشته‌اند که بنگاه‌های یادشده متعاقب توافقات مذکور حقوق آن‌ها را کاهش داده و فرصت جابجایی و یافتن موقعیت‌های شغلی بهتر را از آن‌ها گرفته و به این ترتیب در رقابت اخلاص ایجاد کرده‌اند. در سال ۲۰۱۴ شرکت‌های مزبور پیشنهادی نزدیک به ۴۰۰ میلیون دلار برای دستیابی به مصالحه و ختم دعوا ارائه نمودند ولی کارکنان این مبلغ را ناکافی و غیر منصفانه خوانده و خود را مستحق غرامت بیشتری دانسته‌اند. (High-Tech

Employee Antitrust Litigation, 2015: html)

- نوع رابطه میان طرفین قرارداد: در اعمال قاعده، تمایز میان قراردادهای میان رقبا که از آن به «توافقات افقی»<sup>۷</sup> تعبیر شده است و قراردادهای میان غیر رقبا که «توافقات عمودی»<sup>۸</sup> خوانده می‌شوند، اهمیت شایانی دارد؛ هم در قراردادهای افقی و هم عمودی، احتمال بروز آشفتگی‌های رقابتی می‌رود، اما قراردادهای افقی، مظنونیت افزون‌تر و قابلیت بیشتری در ممانعت از شکل‌گیری رقابت دارند. (Broder & Walker, 2005: 362) در مقابل، نگرانی‌های رقابتی در توافقات عمودی کمتر است؛ هرچند در صورتی که طرف قوی‌تر با اعطای حقوق خاصی به طرف ضعیف‌تر قصد بیرون راندن دیگران را از گردونه رقابت داشته باشد یا با اعمال محدودیت‌هایی عملاً وی را در ارتقاء جایگاه رقابتی خود ناتوان سازد، قاعده معقولیت، با دخالت جدی خود اعتبار آن را به

چالش می‌کشد. در تحلیل مسئله، به خصوص این مقوله واجد اهمیت است که در غیاب قرارداد و رویه‌های محدود کننده، وضعیت رقابتی میان رقبا و غیر رقبا چگونه بوده است و چنین توافقی چه تأثیری بر کل فرایند رقابت در بازار مربوطه دارد. (Byrne & Mcbratney, 2005: 434) به این ترتیب اگر توافق عدم رقابت میان دو رقیب بالفعل یا بالقوه منعقد شده باشد، حقوق رقابت با ظن بیشتری به آن می‌نگرد.

- سهم طرفین در بازار و ویژگی‌های بازار: بهره‌ای که طرفین توافق از مجموع بازاری خاص دارند، عاملی تعیین‌کننده در ارزیابی آثار رقابتی توافقات مظنون است. (Joelson, 2006: 18) بدیهی است هرچه میزان تمرکز در بازار بیشتر باشد، احتمال آنکه تضییقات بر دستیابی سایرین به بازار و یافتن موقعیت مناسب رقابتی اثر سوء داشته باشد، بیشتر خواهد بود. به این ترتیب طرفی که قدرت در بازار قابل توجهی دارد، ظرفیت بالاتری در سوق دادن بازار به سمت مطلوب خود دارد.

میزان کلی رقابت موجود در بازار و ایستایی یا پویایی آن، از مؤلفه‌های دیگری است که مورد توجه قاعده معقولیت است. (Byrne & Mcbratney, 2005: 435) به‌طور کلی آثار محدودیت‌ها در بازار مربوطه باید با لحاظ اوضاع و احوال، متعارف و معقول باشد. بر این منوال اگر توافق عدم رقابت تأثیر ناگواری بر ساختار بازار داشته باشد و موانع جدی‌تری در آن به وجود آورد، بیشتر در معرض بی‌اعتباری قرار می‌گیرد. در پرونده *Molinary v. Consol Energy et al* (2012) یک قرارداد استخدام کارکنان برای مدت ۱۸ ماه بین دو بنگاه منعقد شد. یکی از مدیران که قصد پیوستن به بنگاه دیگر را داشت، مدعی بود که این شرط ناقض مقررات ضد انحصار شرمن است و در بازار مربوطه اختلال ایجاد می‌کند اما نتوانست محدوده دقیق بازار مرتبط را تبیین سازد. همچنین دلایل وی در تشریح چگونگی تأثیرگذاری قرارداد بر عدم امکان استفاده از مهارت‌هایش مبهم بود. به علاوه خواهان نتوانست نشان دهد که این توافق مانع بزرگی برای سایر بنگاه‌ها در استفاده از نیروی کار متخصص ایجاد می‌کند. بر این اساس دادگاه پنسیلوانیا ادعای وی در نقض قواعد رقابتی را رد کرد.<sup>۹</sup>

- میزان اثرگذاری بر وضعیت سایر فعالان: اگر توافق عدم رقابت سبب ممانعت یا تحدید غیرمتعارف رقابت شود به نحوی که به افزایش هزینه‌ها و قیمت محصولات یا

کاهش تولید دامن زده و حقوق مصرف کنندگان را تضییع نماید، شرط، مخل رقابت تلقی می‌شود. (Comanor, 1990: 139) توافق عدم رقابت گاه فرصت‌های تجاری را از دیگر بنگاه‌ها یا اشخاص سلب می‌کند. اگر بخش عمده‌ای از فعالان بازار به موجب این توافق خارج از دایره رقابت بمانند، محاکم آن را به سبب ممانعت از رقابت، ناقض قواعد ضد انحصار می‌شمرند. بازه زمانی محدودیت نیز در فرایند ارزیابی نقش مهمی دارد؛ اگر مدت زمان توافق، طولانی باشد به نحوی که عملاً ذینفع را در موقعیت رقابتی ممتازی بنشانند، در حالی که وی از مجاری معمول به چنین جایگاهی دست نمی‌یافت، می‌توان در مشروعیت شرط عدم رقابت خدشه جدی وارد کرد. (Dratler, 2006: 7-80) در پرونده‌ای در سال ۲۰۱۳ کمیسیون فدرال تجارت آمریکا، به عنوان یکی از نهادهای رقابتی این کشور، شرط عدم رقابت ضمن قرارداد فروش فهرست مشتریان میان دو بنگاه فعال در حیطه مواد شوینده شیمیائی را که به موجب آن، فروشنده ملزم شده بود برای مدت ۶ سال از فعالیت در این زمینه در ۳ ایالت آمریکا خودداری ورزد، در مغایرت با موازین تضمین کننده رقابت خواند. بدین استدلال که بازار مرتبط از تمرکز بالایی برخوردار و موانع ورود رقبا نیز زیاد بود و اجرای شرط عدم رقابت سبب می‌شد تا رقابت اساسی، واقعی و مستقیم میان دو رقیب عملاً از بین برود. همچنین شرط مذکور به تمرکز بازار افزوده و این توانایی را به ذینفع شرط می‌داد تا قیمت‌ها را به دلخواه خود افزایش دهد. از این رو مرجع مزبور طی مصالحه‌ای ضمن آنکه متعهد عدم رقابت را از اجرای شرط معاف کرد، بنگاه ذینفع را ملتزم ساخت تا به طرق مقتضی از جمله واگذاری بخشی از قراردادهای منعقد شده به شرکت متعهد، بازگشت بنگاه مزبور را به فضای رقابتی تسهیل کند.

در توافقات عدم رقابت، اگرچه طرفین که در پی اجرای توافق هستند خود معقولیت تضییقات را خواهند سنجید، اما از منظر رقابتی نیز رعایت برخی ملاحظات ضروری است. برای مثال در قضیه *Fresh Produce, N.A., Inc. v. Chiquita Brands Int'l Del Monte* (2009) عنوان نماینده فروش در قراردادهای خرید موز فعالیت داشت، به موجب توافق عدم رقابتی، از فعالیت برای شرک‌های رقیبی که در زمینه عرضه سبزی و میوه‌های تازه فعالیت می‌کردند، منع شد؛ ولی دادگاه

علاوه بر آنکه تضییق را مستقیماً مرتبط با منافع تجاری متعهد له ندانست، به موجب قاعده معقولیت، مفاد توافق را بیش از حد گسترده تلقی کرد؛ زیرا قرارداد فرصت فعالیت را از بنگاه متعهد در زمینه تخصصی اش تا حدود زیادی سلب می‌کرد و این امر از لحاظ رقابتی، نقطه آغازی برای حذف رقبا و انحصارگرایی خواهان شمرده شد و قاضی بر این اساس، توافق را ضد رقابتی و فاقد اعتبار اعلام کرد.<sup>۱۱</sup>

اگرچه در نظر برخی، عدم معقولیت با شرایطی که آن را اجرا کرده، سنجیده می‌شود، اما واقعیت آنست که اعمال قاعده معقولیت، نیازمند بصیرت حقوقی و امری حساس است. (Decker, 1993: 105) در پاره‌ای تصمیمات در ارزیابی معقولیت، به صراحت معیار شخصی کنار گذاشته و وضعیت خاص اقتصادی یا صعوبتی که ممکن است از لحاظ شخصی به متعهد وارد آید، در داوری دادگاه دخالت داده نمی‌شود و در واقع معیار نوعی اعمال می‌شود.<sup>۱۲</sup> در برابر در دعوی *Henderson v. U.S. Bank* (2009) N.A تصریح شد که بررسی نفوذ و اعتبار توافق عدم رقابت به موجب قاعده معقولیت، نوعی نبوده و بسیار وابسته به اوضاع و احوال خاص هر قضیه است.<sup>۱۳</sup> به نظر می‌رسد نمی‌توان به اوضاع و احوال خاص هر قضیه بی‌اعتنا بود و بر اساس معیارهای نوعی صرف به قضاوت نشست؛ چراکه اعمال دقیق قاعده معقولیت و اینکه آیا در راستای آن، واقعاً شرط عدم رقابت به رقابت لطمه می‌زند یا خیر، در گرو تأمل در شرایط ویژه هر قضیه و لحاظ همه عوامل مؤثر است و توجه صرف به ملاک‌های نوعی، در حقیقت غفلت ورزیدن از فهم کامل موضوع خواهد بود.

گاه فرایند ارزیابی معقولیت توافق بسته به نوع منافع، به شیوه‌های متفاوتی خواهد بود. به‌طور مثال ممکن است متعاقب انعقاد شرط عدم رقابت به منظور حمایت از اسرار تجاری، اطلاعات وصف محرمانه خود را از دست بدهند، از این‌رو بررسی معقولیت از سوی دادگاه، با توجه به شرایط خاص ناظر به زمان تشکیل توافق، همواره صحیح نیست، بلکه عنایت به شرایط متعاقب، در فرایند برآورد وضعیت رقابتی آن اهمیت شایانی دارد. (Kamerling & Osman, 2004: 31)

اگرچه توافق عدم رقابت در تعارض ذاتی با قواعد رقابتی انگاشته نمی‌شود، اما اگر شیوه اعمال آن بسیار متعديانه باشد و تا حدود زیادی از مقصد حمایت از منافع



مشروع فراتر رود، مراجع قانونی رأی به بی اعتباری آن به سبب برخورد ذاتی با قواعد رقابتی داده و به تعبیر روشن تر آن را در شمار محدودیت های محض تلقی کرده اند. (Saferstien, 2009: 2-4) به نظر می رسد این تحلیل سبب آشفتگی یا ابهام در خصوص وضعیت رقابتی توافق شده و ممکن است این شائبه مطرح گردد که توافق عدم رقابت نیز اصولاً در زمره تحدیدات نامشروع محض جای دارد؛ در حالی که حتی اگر مفاد آن از حدود متعارف نیز خارج شود، تغییری در موضع ابتدایی آن اتفاق نمی افتد بلکه به دلیل برخورد با موازین رقابتی، مشروعیت خود را از دست می دهد. در دعوی که در سال ۲۰۱۲ وزارت دادگستری آمریکا علیه شرکت Ebay مطرح کرده، قرارداد متقابل این بنگاه با شرکت Intuit مبنی بر عدم استخدام کارکنان کلیدی متخصص در طراحی نرم افزار را در پرتو موازین قاعده معقولیت و همچنین قاعده ممنوعیت محض، ضد رقابتی دانست.<sup>۱۴</sup> در پاسخ Ebay اظهار داشت که وزارت دادگستری هیچ دلیل و قرینه ای که دلالت بر بروز تبعات ناروای رقابتی توافق داشته باشد، ارائه نکرده و افزون بر این، اعمال قاعده ممنوعیت ذاتی نسبت به چنین قراردادهایی سابقه و محملی ندارد؛ به خصوص که قلمرو چنین قراردادی از شرط عدم رقابت محدودتر بوده و تضییقات کمتری در بر دارد.<sup>۱۵</sup> دادگاه منطقه ای کالیفرنیا اظهارات Ebay را به دلیل تأثیرات مستقیم آن روی بازار کار و فرصت های شغلی مستخدمین نپذیرفت. هر چند در نهایت در سال ۲۰۱۴ از طریق یک سازش پرونده خاتمه یافت<sup>۱۶</sup> اما به نظر می رسد رهیافت مرجع رقابتی در اعمال همزمان قواعد معقولیت و ممنوعیت مطلق و تعمیم موازین ناظر به ممنوعیت ذاتی به قراردادهای عدم رقابت، نادرست بوده و سبب مبهم شدن مرزهای موازین قابل اعمال می شود.

### ۲،۳. توافق عدم رقابت و سوء استفاده از موقعیت مسلط

در خصوص ارتباط توافق عدم رقابت با مقوله سوء استفاده از وضعیت مسلط نیز در رویه، قضیه Chain Theatres, Inc. v. United States (1948) جلوه خاصی یافته است. در این پرونده، دیوان عالی، اگرچه اصل اعتبار توافقات عدم رقابت را به رسمیت شناخت، اما استخدام گسترده آن را وسیله ای برای توسعه انحصار متعهد له قلمداد و

مصادقی از اقدامات یک‌جانبه ممنوع و نوعی سوء استفاده از موقعیت مسلط دانست.<sup>۱۷</sup> برای اثبات تحقق شرایط، صرف اثبات تحقق توافق کافی نبوده بلکه باید در حاصل قرارداد نظاره کرد؛ یعنی اثبات این مطلب که ذینفع توافق در مقام یک بنگاه مسلط به نحو موفقیت‌آمیزی سهمی از تجارت بازار را به نحوی ناروا به خود اختصاص داده و در رقابت اخلاص ایجاد نموده است. (Decker, 1993: 109-10)

### ۳. حقوق اتحادیه اروپا

#### ۳.۱. قاعده کلی رقابتی ناظر به توافقات عدم رقابت

در حقوق اتحادیه اروپا این موضوع که اصولاً و غالباً قرارداد عدم رقابت در شمار تحدیدات نامشروع محض قرار ندارد، مورد اتفاق است و اگر صراحتاً مشمول قواعد معافیت‌های کلی قرار نگیرد، اعتبار رقابتی آن باید به صورت انفرادی و مطابق شرایط مقرر در ماده (۳) ۱۰۱ «معاهده اجرایی (عملکرد) اتحادیه اروپا»<sup>۱۸</sup> (معاهده لیسبون) تحلیل شود. (Modiano, 1998: 245; Thalmann, 2001: 101-2) مقررات اتحادیه در شیوه ارزیابی توافق، بیشتر بر معیاری شبیه قاعده معقولیت در حقوق آمریکا تکیه نموده (Alonso, 2008: html) و عمدتاً بر این مقوله تأکید می‌کنند که آیا توافق به نحو بالقوه یا بالفعل، توان تحدید یا اخلاص در رقابت را دارد یا خیر. ماده مزبور شرایطی را برشمرده و چارچوبی اقتصادی ترسیم کرده است که ترتیبات محدود کننده باید در دامنه آن سنجیده شوند و شرط عدم رقابت در صورت برخورداری از شرایط مذکور، وصف مشروعیت می‌یابد؛ در غیر این صورت، توافق مصادقی از رویه‌هایی است که مطابق ماده (۱) ۱۰۱ اثر سوء بر رقابت داشته و محکوم به بی اعتباری است.

(United Nations, 2003: 29)

در ارزیابی اینکه آیا قراردادی در پی اخلاص در رقابت است یا خیر، به وضعیت بازار و جریان رقابت پیش و پس از انعقاد و اجرای توافق، توجه می‌شود. علاوه بر عنایت به نوع و ماهیت قرارداد و به ویژه هدف آن، شرایط خاص حاکم بر قرارداد و بستر اجرایی آن نیز اهمیت وافری دارد. (Vives, 2009: 62-3) به این ترتیب در این مقام، واکاوی فرا قراردادی و تحلیل عمیق آثار توافق، نقشی مهم ایفا می‌کند. مطابق

معیارهایی که ماده (۳) ۱۰۱ معاهده تدارک دیده است اگر محدودیت‌های توافق عدم رقابت بر ضرورت‌های اقتصادی متکی بوده و بایستگی آن‌ها برای افزایش بهره‌وری و انسجام فعالیت‌های تجاری و نیل به اهداف عالی‌تر احراز شود و به نوبه خود، در رقابتی ساختن فضای رقابتی مؤثر افتد و سهم عادلانه‌ای نصیب مصرف‌کنندگان سازد، تردیدها نسبت به اعتبار آن زدوده می‌شود. (Johansson, 2010: 22)

با وجود این، نباید توابع منفی چنین توافقاتی را از نظر دور داشت، خصوصاً قراردادهای عدم رقابتی که در بلندمدت، به وسیله‌ای در جهت تحقق سیاست‌های رقابتی ناروای ذینفع مبدل می‌شوند؛ در پرونده‌ای در سال ۲۰۱۲ میان دو شرکت زیمنس و آروا، پس از خاتمه یک قرارداد جوینت ونچر در زمینه همکاری مشترک حول ساخت یک نیروگاه هسته‌ای، شرط عدم رقابتی نیز مقرر شد که به لحاظ مقتضیات رقابتی، بیش از اندازه طولانی بود و از حیث موضوعی نیز ارتباط کامل با فعالیت‌های جوینت ونچر نداشت. پس از برآورد اولیه، کمیسیون اروپا تعهد عدم رقابت را به صورت غیر متعارفی محدود کننده رقابت دانست اما با التزام طرفین به تعدیل مفاد شرط و کوتاه کردن محدودیت زمانی و رفع دغدغه‌های رقابتی، مرجع یاد شده به تحقیقات خود در این زمینه خاتمه بخشید.<sup>۱۹</sup> مگر آنکه اثبات شود چنین ترتیباتی در مقایسه با آثار ناخوشایندی که معطوف فضای رقابت می‌کنند، متضمن برآمدهای مطلوب‌تر تجاری هستند. در این شرایط تحدیدات قراردادی نباید بستر رقابت را نابود سازند یا موانعی بر مسیر معمول رقابت به وجود آورند، به گونه‌ای که روند توسعه متوازن آن را متوقف سازد.

در برآورد کارکرد این چنینی توافق عدم رقابت، موضع رقابتی طرفین نسبت به یکدیگر، اهمیت عمده‌ای دارد. تزییقات در قراردادهای میان غیر رقبای، به‌طور عادی، تهدیدی جدی برای رقابت نبوده و با انعطاف بیشتری مواجه می‌شوند. در این راستا، تعیین آنکه در غیاب توافق، طرفین با یکدیگر رقیب بالقوه یا بالفعل هستند، ضروری است. همچنین باید به نوع رقابت آن‌ها با اشخاص ثالث نیز توجه کرد. اگر پس از انعقاد قرارداد وضعیت رقابتی طرفین تغییر کند، قواعد جدید نسبت به قرارداد اعمال می‌شود، مگر آنکه مفاد آن به نحو عمده‌ای، تعدیل گردد. (Anderman, 2007: 93-5)

مؤلفه‌های بازار نیز در مسیر بررسی دخیل هستند. وضعیت بازار پیش و پس از اعمال محدودیت‌ها و اثری که توافق بر کلیت بازار به جای می‌گذارد، باید به دقت مورد سنجش واقع شود. هرچه بازار پویایی کمتری داشته باشد، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر رویه‌هایی نظیر توافق عدم رقابت خواهد داشت. هرچه سهم طرفین به‌ویژه متعهد له در بازار مربوط افزون‌تر باشد، احتمال ایجاد سیطره نامشروع در قلمرو رقابت نیز افزایش می‌یابد که نتیجه آن بی‌اعتبار شدن توافق است. (Monti, 2007: 35)

دیوان دادگستری اروپا برای احراز اعتبار توافق عدم رقابت، قاعده فرعی بودن تحدیدات را که شباهت تامی به موازین معقولیت در حقوق آمریکا دارد، اعمال نموده است. (Kaczorowska, 2008: 780) مطابق دکترین فرعی بودن، شرط عدم رقابت زمانی مشروع قلمداد می‌شود که برای تحقق اهداف قرارداد اصلی توسل به آن ضروری باشد. در قضیه‌ای کمیسیون اروپا در مقام مرجع رقابتی اتحادیه، در سال ۲۰۱۳ دو بنگاه مخابراتی اسپانیایی و پرتغالی را به علت التزام متقابل عدم رقابت، مجموعاً به پرداخت جریمه‌ای بالغ بر ۸۰ میلیون یورو محکوم کرد. در این پرونده یکی از بنگاه‌ها سهم طرف دیگر را از سرمایه‌گذاری مشترک خریداری نمود در حالی که به موجب شرط عدم رقابت متقابلی، طرفین ملتزم شدند تا در قلمرو اختصاصی طرف مقابل که بازارهای اسپانیا و پرتغال بود، به رقابت با یکدیگر نپردازند و اگرچه پس از گشودن پرونده توسط کمیسیون، طرفین اجرای شرط را متوقف ساختند ولی با وجود این، مرجع مزبور توافق فرعی عدم رقابت را که به هیچ‌وجه مرتبط با موضوع و مقتضیات قرارداد خرید سهام نبود، مخل رقابت و در مغایرت آشکار با ماده ۱۰۱ معاهده تلقی کرد. ۲۰ در همین راستا، دیوان دادگستری اروپا همچنین در تصمیم دیگری تأکید کرده که تصور قرارداد واگذاری کسب‌وکار بدون شرط عدم رقابت، به منزله آنست که خریدار و فروشنده کماکان رقیب یکدیگر باقی بمانند و پذیرش صحت قرارداد در چنین وضعیتی دشوار می‌نماید. (Mantysari, 2009: 471) البته صرف وجود یک شرط عدم رقابت در قرارداد انتقال کسب‌وکار، به معنای خروج توافق مزبور از شمول بند ۱ ماده ۱۰۱ نیست بلکه رویه مرجع مذکور بر احراز شرایط معقول حاکم بر قرارداد و بازار و سنجش اثر آن بر مبادلات تجاری قرارگرفته تا شرط عدم رقابت حربه‌ای در

دست بنگاه‌ها به منظور منحرف ساختن رقابت نباشد. (Alese, 2008: 92-3)

### ۳.۲. رویکرد خاص اسناد رقابتی اتحادیه اروپا نسبت به توافقات عدم رقابت

توافقات عدم رقابت در اسناد و مقررات مختلف اتحادیه مطمح نظر بوده که هر یک به تبیین ابعاد موضوع در بستر تعاملات مختلف تجاری پرداخته‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در بند (د) ماده ۱ «مقرره اتحادیه اروپا در خصوص اعمال ماده (۳) ۱۰۱ نسبت به اقسام قراردادهای عمودی و رویه‌های جمعی»<sup>۲۱</sup> مصوب ۲۰۱۰، قرارداد عدم رقابت، معادل هرگونه توافق مستقیم یا غیر مستقیم است که بر اساس آن خریدار ملتزم به عدم تولید، خریداری، فروش و باز فروش محصولات یا ارائه خدماتی می‌شود که متضمن رقابت با محصولات و خدمات موضوع قرارداد اصلی است؛ یا هرگونه تعهد مستقیم یا غیر مستقیم بر خریدار که وی را ملزم می‌کند که ۸۰ درصد یا بیشتر از ملزومات سالیانه خود را از فروشنده یا شخص ثالثی که وی تعیین می‌کند، خریداری نماید. به این ترتیب اختیار طرف قرارداد در تهیه کالاهای رقیب، به کمتر از ۲۰ درصد مجموع خرید تقلیل می‌یابد.

در ماده ۵ مقرره مزبور آمده که شرط عدم رقابتی که مدت آن از ۵ سال تجاوز نموده یا نامحدود باشد یا توافقی که به‌طور ضمنی بعد از گذشت ۵ سال تمدید شود، اگرچه در شمار محدودیت‌های ذاتی شمرده نمی‌شود، ولی مشمول معافیت‌های کلی نیز قرار نمی‌گیرد. بر این اساس خریدار باید بتواند به التزام به عدم رقابت بعد از انقضای ۵ سال خاتمه بخشد. برای مثال اگر فروشنده و امی به خریدار داده است، بازپرداخت آن نباید مانعی در جلوگیری از پایان دادن مؤثر به تعهد به عدم رقابت باشد.<sup>۲۲</sup>

دو عامل مهم در ارزیابی ضد رقابتی بودن شرط در توافقات عمودی نقش اساسی ایفا می‌کنند: نخست سهم بنگاه در بازار است که هرچه کمتر باشد، احتمال برخورد توافق عدم رقابت با موازین مربوطه نیز کاهش می‌یابد و دیگری مدت زمان قرارداد است؛ عموماً قراردادهای تا یک سال، دغدغه چندانی در خصوص اخلال در رقابت

ایجاد نمی‌کنند. به این ترتیب عمده شروط عدم رقابتی که خارج از قلمرو معافیت‌های کلی مقرر قرار گیرند، معتبر نبوده و باطل انگاشته می‌شوند ولی لطمه‌ای به اعتبار قرارداد اصلی نمی‌زنند. (Lorenz, 2013: 171) در واقع این نوع خاص از «تحدیدات منع یا استثنا»<sup>۲۳</sup> شده در صورت قابلیت انفکاک از قرارداد اصلی، آسیبی به اعتبار قرارداد اصلی نمی‌زند مشروط بر اینکه قرارداد اصلی از شرایط مقرر برخوردار بوده و خالی از سایر تضییقات ضد رقابتی باشد.<sup>۲۴</sup>

در «اعلان اتحادیه اروپا در خصوص تحدیدات مستقیماً مرتبط با و لاینفک از تمرکزات»<sup>۲۵</sup> ۲۰۰۵ که از آن به مقرر ادغام<sup>۲۵</sup> نیز یاد می‌شود، مباحث نسبتاً مفصلی به شرط عدم رقابت اختصاص داده شده است: پاراگراف ۱۸ شرط عدم رقابت را جزئی ضروری برای توافقات ناظر به ادغام و تملک یا واگذاری بنگاه‌ها دانسته و تصریح کرده که به منظور تحقق یافتن انتقال کامل بنگاه یا کسب‌وکار منتقله، خریدار باید در برابر رقابت فروشنده محافظت شود تا بتواند رابطه مشتریان با بنگاه را تداوم بخشد و از شهرت تجاری و دانش فنی منتقله کمال انتفاع را ببرد. به این ترتیب کارکرد شرط عدم رقابت، تضمین تحقق این موارد است که هرچند مستقیماً مرتبط با بحث تمرکز نیستند ولی در نبود آن‌ها، به سختی می‌توان ادعا کرد که قرارداد به‌طور کامل به مورد اجرا گذاشته شده است.

پاراگراف ۲۱ اشعار داشته که در قراردادهای واگذاری اموال عینی همچون زمین، خانه و همچنین در واگذاری حقوق انحصاری قانونی که دارنده بلافاصله پس از دریافت حق می‌تواند مبادرت به اقامه دعوا علیه متجاوزان نماید، لزومی به توسل به شرط عدم رقابت نیست.

در پاراگراف ۲۲ اشاره شده که قرارداد به لحاظ قلمرو، محدود به منطقه‌ای است که فروشنده در آنجا صاحب منافع شناخته می‌شود ولی اگر در حوزه‌ای سرمایه‌گذاری کرده و قصد ورود به بازار جدیدی را داشته باشد، منع وی به موجب شرط عدم رقابت از ورود به حیطه مزبور موجه خواهد بود.

پاراگراف ۲۳ نیز اعلام داشته که توافق عدم رقابت باید محدود به محصولات و خدماتی شود که موضوع اصلی فعالیت اقتصادی بنگاه مورد معامله است؛ با وجود این

سایه حمایتی شرط بر سر محصولات که در مرحله ابتدایی توسعه و پیدایش بوده و در آستانه معامله یا آماده بازاریابی هستند نیز تعمیم می‌یابد؛ ولی در حیطه‌هایی که واگذارنده سابقاً فعال بوده، منع از رقابت وجهی ندارد.

اصول راهنمای «مقرره اتحادیه اروپا در خصوص اجرای ماده (۳) ۱۰۱ معاهده اجرایی اتحادیه اروپا نسبت به قراردادهای انتقال فناوری»<sup>۲۶</sup> ۲۰۱۴ در پاراگراف ۲۲۶ اشعار می‌دارد که تعهد به عدم رقابت در چارچوب قرارداد لیسانس به این شکل رخ می‌نماید که لیسانس گیرنده ملتزم می‌شود تا از فناوری‌هایی که رقیب فناوری موضوع قرارداد است، استفاده نکند.

پاراگراف ۲۲۸ خطر اصلی رقابتی شرط مزبور را ایجاد مانع در مسیر به‌کارگیری فناوری‌های رقبا می‌داند. همین‌طور وقتی لیسانس دهندگان متعدد شرط عدم رقابت را در طیف وسیعی از توافقات به کار می‌گیرند، احتمال دارد طریق تبانی تسهیل شود. ایجاد مانع برای سایر رقبا سبب می‌شود تا مجوز دهنده برای حفظ موقعیت رقابتی خود، ناگزیر به کاهش حق امتیاز نباشد. به‌علاوه این تمهید احتمالاً سطح رقابت را میان فناوری‌ها کاهش می‌دهد؛ زیرا آزادی عمل لیسانس گیرنده را در بهره‌برداری از فناوری‌های مشابه و جایگزین محدود می‌کند. همچنین اگر در یک لیسانس متقابل، طرفین چنین شرطی را جزئی از قرارداد تعریف کرده باشند، امکان تسهیل طریق تبانی می‌رود؛ با وجود این مشروط به جمع شرایط، توافق مشمول معافیت‌های کلی است.

پاراگراف ۲۲۹ تصریح می‌دارد که شرط هنگامی به مثابه مانع عمل می‌کند که بخش اعظم لیسانس گیرندگان که قبلاً از سایر منابع فناوری سود می‌جسته‌اند، به موجب توافق، از بهره‌برداری از آن‌ها باز داشته شوند؛ این اثر منع کننده یا نتیجه قراردادهای گسترده لیسانس دهنده با تعداد زیادی از مجوز گیرندگان است یا حاصل قراردادهای متعدد منعقد شده از سوی لیسانس دهندگان مختلف است؛ به خصوص وقتی که حجم این توافقات از ۵۰ درصد توافقات مربوطه در بازار تجاوز کند، در حالی که شرایط بازار به گونه‌ای است که موانع سترگی برای ورود لیسانس گیرندگان جدید وجود دارد؛ زیرا اگر موانع ورود چندان جدی نباشد، امتیاز گیرندگان جدید می‌تواند به راحتی وارد بازار شده و سایر فناوری‌های مشابه و رقیب را به لیسانس بگیرند.

بر اساس پاراگراف ۲۳۰ وقتی لیسانس دهنده از قدرت در بازار شایان توجهی برخوردار است، الزام لیسانس گیرندگان به عدم استفاده از سایر فناوری‌ها، اثر منع کننده فوق‌العاده‌ای دارد؛ البته لازم نیست این اثر بازدارنده بخش عمده‌ای از بازار را متأثر سازد بلکه همین که شرط عدم رقابت، لیسانس گیرندگان بالقوه‌ای که امکان و تمایل به معامله با رقبا را دارند، هدف قرار دهد، کفایت می‌کند. این اثر وقتی تشدید می‌شود که تعداد لیسانس گیرندگان بالقوه زیاد نباشد و قرارداد لیسانس نیز از سوی مجوز گیرنده به منظور تولید محصولاتی برای مایحتاج شخصی و در تشکیلات خود به کار گرفته شود؛ موقعیتی که مسیر ورود دارندگان فناوری‌های رقیب و جدید به بازار را دشوار می‌کند.

به موجب پاراگراف ۲۳۱ شرط عدم رقابت ممکن است آثاری به سود رقابت داشته باشد و برای مثال به اشاعه فناوری مساعدت نماید؛ زیرا خاطر لیسانس دهنده را با کاهش خطر تحصیل ناروای فناوری اعطا شده آسوده می‌سازد. به ویژه در قراردادهای لیسانس ناظر به دانش فنی، اگر لیسانس گیرنده مجاز به اخذ مجوز فناوری‌های مشابه از سایر رقبا باشد، این خطر وجود دارد که دانش فنی مزبور در جریان بهره‌برداری از فناوری‌های رقبا به کار گرفته شود؛ امری که به کارآمدی فناوری رقبا مساعدت کرده و سبب شهرت رقبا و فناوری آن‌ها می‌گردد. همین‌طور وقتی لیسانس گیرنده از فناوری‌های رقبا استفاده می‌کند، ممیزی حساب‌ها و ارزیابی میزان حق امتیاز نیز دشوار می‌شود که مسلماً بر انگیزه‌های لیسانس دهنده در اشاعه فناوری در بازار اثر نامطلوبی می‌گذارد.

اما «مقرره اتحادیه اروپا در خصوص کاربست ماده (۳) ۱۰۱ معاهده نسبت به برخی انواع قراردادهای تحقیق و توسعه»<sup>۲۷</sup> مصوب سال ۲۰۱۰، نسبت به شرط عدم رقابت موضع متفاوتی دارد: سند مذکور در بند (الف) ماده ۵ توافق عدم رقابت را از شمول معافیت‌ها خارج کرده و ظاهراً در شمار محدودیت‌های ذاتی قرار داده است و تصریح داشته هنگامی که آزادی طرفین در انجام مستقل تحقیق و توسعه و یا با همکاری اشخاص ثالث در حیطه‌هایی که ارتباطی به قرارداد تحقیق و توسعه ندارد، محدود گردد و یا پس از خاتمه تحقیق و توسعه مشترک، انجام پژوهش حتی در



حیطه‌های مربوط به قرارداد پیشین با مانع مواجه شود، توافق معتبر نخواهد بود. به نظر می‌رسد این میزان برخورد سخت‌گیرانه به واسطه اهمیت مضاعفی است که فعالیت‌های تحقیق و توسعه در روند ارتقای نوآوری و تشدید رقابت در بازار دارد و چنین تضییقاتی از حیث آثار رقابتی قابل مقایسه با محدودیت‌های سایر قراردادها نیست که صرفاً دستیابی به کالاها یا خدمات را محدود می‌سازد.

### ۳.۳. توافق عدم رقابت وسیله‌ای برای سوء استفاده از موقعیت مسلط

باید توجه داشت که به‌کارگیری شرط عدم رقابت می‌تواند مصداقی از سوء استفاده از وضعیت مسلط باشد که به موجب ماده ۱۰۲ معاهده مطرود است. (Subiotto & Snelders, 2008: 84) دیوان دادگستری اروپا در تعریف موقعیت مسلط، آن را وضعیتی می‌داند که حسب آن، یک بنگاه تجاری به واسطه موقعیت برتری که در بازار دارد، قادر است تا مستقل از نیروها و تضییقات رقابتی معمولی که بنگاه‌های تجاری در بازار با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند، عمل نموده و مانع از رقابت مؤثر و کارا شده و به این ترتیب، حقوق رقبا و مصرف‌کنندگان را تحت تأثیر تصمیمات خود قرار دهد. (Motta, 2004: 34) به این ترتیب به‌کارگیری گسترده توافقات عدم رقابت توسط چنین بنگاه‌هایی می‌تواند در شرایط خاصی نوعی سوء استفاده از وضعیت مسلط قلمداد شود.

### ۴. حقوق ایران

#### ۴.۱. تحلیل موضع رقابتی ایران در قبال توافقات عدم رقابت

در ماده ۴۴ ق.آ.س.ک.آ تصریح شده که «هرگونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی) بین اشخاص که یک یا چند اثر زیر را به دنبال داشته باشد به نحوی که نتیجه آن بتواند اخلال در رقابت باشد، ممنوع است» و در ادامه ماده مزبور، به بیان موارد مربوطه پرداخته است. ماده ۴۵ نیز حکم ممنوعیت اقدامات یک‌جانبه‌ای که سبب اخلال در رقابت می‌شوند را اعلام و به

شمارش آن‌ها مبادرت نموده است.

این مواد به صراحت اشاره‌ای به توافقات عدم رقابت ننموده‌اند اما با تفسیری وسیع و مسامحه در تعبیر، می‌توان این معنا را از قسمت ۲ بند (الف) ماده ۴۵ که ممنوعیت «وادار کردن اشخاص دیگر به استنکاف از معامله و یا محدود کردن معاملات آن‌ها با رقیب» را اعلام نموده است، استنباط کرد. در خصوص این ماده نکات ذیل قابل توجه است:

- ظاهر این ماده دلالت بر ممنوعیت اقداماتی دارد که اشخاص را از تعاملات قراردادی با دیگران باز می‌دارد؛ برای مثال منع از معامله با رقبای متعهد له و یا همه فعالان در عرصه‌ای خاص که در این صورت ممکن است در قالب یک معامله انحصاری متبلور شده یا آنکه شخص وادار به تحدید مناسبات قراردادی خود گردد؛ برای نمونه بنگاه پذیرنده این ترتیبات تنها در حیطه معینی یا به حجم و میزان مشخصی، اجازه معامله با سایر بنگاه‌ها را پیدا می‌کند.

- از قید وادار کردن بر می‌آید که این امر با رضایت صورت نگرفته و متعهد ناگزیر به پذیرش آن شده است. در حالی که اگرچه اجبار می‌تواند به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در ارزیابی موقعیت رقابتی قرارداد شمرده شود ولی نباید در قامت یک شاخص ضروری نقش ایفا کند؛ چراکه آنچه اهمیت دارد تبعات مخل رقابت توافق است، هرچند خود متعهد با رضایت، به قبول آن تن داده باشد.

- احتمال دارد متعهد در قالبی غیر از مناسبات قراردادی ناگزیر به پذیرش آن شده باشد.

- قید «استنکاف از معامله» با وسعت مفهومی خود شامل موقعیتی می‌شود که متعهد پذیرفته است که در راستای توافق عدم رقابت، از انجام اقسام معاملات بپرهیزد؛ زیرا عنصر اساسی در فرایند عدم رقابت، خودداری از انجام انواع معاملات است که با اطلاق خود حتی شامل قراردادهای استخدامی نیز می‌گردد.

- قسمت مؤخر ماده که اشاره به «محدود کردن معاملات آن‌ها با رقیب» دارد در شرایطی که توافق عدم رقابت بنگاه را از پیوستن به رقیب بر حذر می‌دارد، با مسامحه قابل اعمال است، اما ناظر به موقعیتی نیست که شخص خود باید از انجام فعالیت‌ها به

منظور اجتناب از رقابت احتراز نماید. به این ترتیب حتی با این تفسیر موسع هم ماده مزبور شامل برخی مصادیق توافقات عدم رقابت نمی‌شود.

قسمت ۳ از بند (و) ماده ۴۵ نیز «معامله با طرف مقابل با این شرط که طرف مذکور از انجام معامله با رقیب امتناع ورزد» را بی‌اعتبار خوانده است؛ بدین ترتیب اناطه انجام معامله به عدم برقراری تعاملات قراردادی با دیگران، از نظر قانون مطرود است.

اگر قائل به این باشیم که هر دو مقرر فوق‌الذکر ناظر به معامله انحصاری هستند، در این صورت حکم مشابهی را تکرار نکرده‌اند؛ چراکه مطابق ظاهر ماده، بند (و) ناظر به موقعیتی است که از مجرای مناسبات قراردادی، معامله انحصاری محقق می‌شود؛ در حالی که مفاد بند (الف) لزوماً متضمن معامله با شخص وادار کننده نیست و شامل مجاری غیر قراردادی و اعمال یک‌جانبه صرف و در تعبیر روشن‌تر سوء استفاده از موقعیت مسلط نیز می‌شود. به‌علاوه در بند (الف) گفتگو بر سر وادار کردن شخص به اجتناب از ورود به معامله است اما در بند (و) به این قید اشاره‌ای نشده است.<sup>۲۸</sup>

اگر این تعابیر را برای توجیه تعمیم مواد موجود به مقوله عدم رقابت نپذیریم، آنگاه با توجه به آنکه قانون مزبور دچار نگرشی مطلق‌انگار و حصری در برابر تحدیدات بوده و تنها به ذکر برخی رویه‌ها و توافقات ضد رقابتی پرداخته است، با معضل مواجه می‌شویم؛ زیرا در این صورت در هر حال توافق عدم رقابت به دلیل بیرون ماندن از قلمرو رویه‌ها و توافقات ممنوع، همواره از منظر قواعد رقابتی معتبر تلقی می‌شود؛ در حالی که چنین رهیافتی با قواعد اصولی حقوق رقابت همخوانی ندارد و همان‌طور که در مباحث حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا شرح آن گذشت، در اعتبار رقابتی شرط در برخی موقعیت‌ها تردید جدی وجود دارد.

اما از جانب دیگر اگر سرایت مواد قانونی را به شرط عدم رقابت پذیرا باشیم، باز هم با دشواری مواجهیم؛ زیرا لحن ماده ۴۵ قانون که اشعار می‌دارد: «اعمال ذیل که منجر به اخلال در رقابت می‌شود، ممنوع است» به نحوی است که گویی رویه‌هایی چون توافق عدم رقابت، ضرورتاً تراز رقابتی را تنزل داده و مطلقاً باید آن‌ها را ممنوع تلقی نمود؛ در حالی که در موارد عمده‌ای حقوق رقابت، با توجه به کارایی تجاری

توافق عدم رقابت، بر مشروعیت آن صحنه می‌گذارد. ماده ۴۵ جملگی توافقات را تحت حکم کلی ممنوعیت قرار داده است؛ در حالی که غالب تزییقات چهره‌ای دوگانه دارند و تمیز اعتبار آن‌ها، با کمک ضوابطی خاص و معیارهایی روشن و قاعده‌مند، میسر می‌شود.<sup>۲۹</sup> این روند ارزیابی پیچیده، امری حساس و نیازمند ژرف‌نگری حقوقی و اقتصادی است. در چارچوب این قاعده باید مؤلفه‌های متعددی را لحاظ کرد و کاوش در عوامل مذکور آشکار می‌سازد که آیا توافق عدم رقابت به طرز غیر معقولی، مخل رقابت است و یا در مجموع همسو با جریان رقابت است. متأسفانه ق.آ.س.ک.آ اساساً به ضرورت وجود چنین راهکاری بی‌اعتنا بوده و صرفاً وظیفه شناسایی رویه‌های ضد رقابتی را بی‌هیچ رهنمودی، وفق بند ۱ ماده ۵۸ و بند ۱ ماده ۶۲ به شورای رقابت واگذار نموده است. ولی ناگفته هویداست که بدون وجود معیارهای روشن و قطعی، سرنوشت توافق عدم رقابت که ابعاد آن در حقوق ما ناشناخته است، در هاله‌ای از ابهام باقی‌مانده و آشفتگی در تصمیمات نمودار خواهد شد.

#### ۴,۲. سرنوشت توافقات عدم رقابت مخل رقابت

اگر شرط عدم رقابت مربوط به حوزه مالکیت‌های فکری باشد، در خصوص ضمانت اجرای ممنوعیت، ماده ۵۱ مقرر داشته است که «حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از مالکیت فکری نباید موجب نقض مواد (۴۴) تا (۴۸) این قانون شود، در این صورت شورای رقابت اختیار خواهد داشت یک یا چند تصمیم زیر را اتخاذ کند: الف) توقف فعالیت یا عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تجدید دوره اعمال حقوق انحصاری.

ب) منع طرف قرارداد، توافق یا مصالحه مرتبط با حقوق انحصاری از انجام تمام یا بخشی از شرایط و تعهدات مندرج در آن.

ج) ابطال قراردادها، توافق‌ها یا تفاهم مرتبط با حقوق انحصاری در صورت مؤثر نبودن تدابیر موضوع بندهای «الف» و «ب». مفاد این ماده در خصوص شرط عدم رقابت مندرج در قراردادهای لیسانس و فرانسیز و غیره که مرتبط با دارایی‌های فکری هستند، قابل اجراست. با عنایت به این حقیقت که شرط عدم رقابت در زمره توافقاتی

نیست که همواره اثر ضد رقابتی دارند، شورای رقابت در ابتدا می‌تواند به دارنده حقوق انحصاری دستوری مبنی بر توقف فعالیت یا عدم اعمال حقوق انحصاری دهد؛ اما با توجه به آنکه حمایت از دانش فنی و شهرت تجاری، موضوع غالب قراردادهای عدم رقابت است که متضمن حقوق انحصاری همانند اختراعات برای دارنده نیستند، این تمهید چندان مجال اجرا پیدا نمی‌کند، مگر آنکه قائل باشیم در مواردی که شرط ظاهراً برای حمایت از علائم تجاری پیش‌بینی شده، شورا می‌تواند از مدت اعتبار علامتی که صاحب آن به این رویه ضد رقابتی متوسل شده است، بکاهد که راهکاری بعید و غالباً کم اثر می‌نماید؛ زیرا مدت اعتبار و استفاده انحصاری از علائم تجاری بر خلاف اختراعات همواره قابل تمدید است. اگر ابطال علامت تجاری را نیز از اختیارات شورای رقابت در این برهه بدانیم - که هرچند خلاف ظاهر ماده است - باز هم تفسیری غیر اصولی خواهد بود؛ چراکه علاوه بر آنکه با اصل عدم مداخله حقوق رقابت در مرحله اعطای حقوق فکری منافات دارد (نظریه ایجاد و اجرای حق) در ذیل ماده، سنگین‌ترین تدبیر، بطلان قرارداد اعلام شده است در حالی که بی‌اعتبار ساختن علامت تجاری، ضمانت اجرایی بسیار سنگین‌تر از بطلان قرارداد به شمار می‌آید و چنین رهیافتی با منطق تفسیر سازگاری ندارد؛ اما گذشته از این مناقشات به موازات این تمهید، شورای رقابت مجاز است تا شرط و رویه ضد رقابتی را غیر قابل اجرا بخواند و بر اساس این اختیار، شرط عدم رقابت را از قرارداد اصلی منفک کرده و بی‌اثر سازد و در نهایت در صورتی که این تدابیر نیز مؤثر نیفتند، بطلان قرارداد اصلی را اعلام نماید. به نظر می‌رسد اگرچه این راهکار در بازداری اشخاص از تحمیل تعهدات گزاف در عدم رقابت به دلیل بیم از بطلان قرارداد اصلی اثرگذار است، اما باز هم بی‌اعتبار ساختن قرارداد اصلی در اکثر موارد محملی ندارد و صرف حذف شرط عدم رقابت برای تحقق مقاصد موردنظر قانون کفایت می‌کند؛ به‌خصوص که بطلان قرارداد اصلی ممکن است منافع پذیرنده شرط و سرمایه‌گذاری وی را نیز به مخاطره اندازد.

در خصوص قراردادهایی که موضوع آن‌ها اموال فکری نیست، ماده ۶۱ اعمال می‌گردد که اشعار می‌دارد: «هرگاه شورا پس از وصول شکایات یا انجام تحقیقات لازم احراز کند که یک یا چند مورد از رویه‌های ضد رقابتی موضوع مواد (۴۴) تا (۴۸) این

قانون توسط بنگاهی اعمال شده است، می‌تواند حسب مورد یک یا چند تصمیم زیر را بگیرد:

۱- دستور به فسخ هر نوع قرارداد، توافق و تفاهم متضمن رویه‌های ضد رقابتی موضوع مواد (۴۴) تا ۴۸ قانون.

۲- دستور به توقف طرفین توافق یا توافقی‌های مرتبط با آن از ادامه رویه‌های ضد رقابتی.

۳- دستور به توقف هر رویه ضد رقابتی یا عدم تکرار آن...» به این ترتیب شورای رقابت اختیار دارد در صورتی که شرط یا توافق عدم رقابت را در مغایرت با بنیان‌های رقابت تشخیص دهد، آن را غیر قابل اجرا خوانده و به ذینفع دستور دهد که از توسل دوباره به چنین ابزاری خودداری کند تا بازار به فضای رقابتی معمول باز گردد. نسبت به بند یک این ماده، همان دغدغه‌هایی که در خصوص بی‌اعتبار ساختن قرارداد اصلی دربردارنده شرط عدم رقابت نامشروع آمد، صدق می‌کند. البته شورا اختیار دارد در صورتی که شرط، مخل رقابت باشد بنگاه ذینفع را به پرداخت جریمه موضوع بند ۱۲ ماده ۶۱ نیز محکوم نماید.

شایان ذکر است که احتمال دارد شرط عدم رقابت مصداقی از سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط باشد. قسمت ۴ بند (ط) ماده ۴۵ مقرر می‌دارد که یکی از روش‌های تحقق سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط «ایجاد مانع به منظور مشکل کردن ورود رقبای جدید یا حذف بنگاه‌ها یا شرکت‌های رقیب در یک فعالیت خاص» است که در گستره وسیع آن، شرط عدم رقابتی جای می‌گیرد که به طرز ناروا و به نحو گسترده، به بنگاه‌های مختلف تحمیل شده و از مجرای آن، بنگاه مسلط با سوء استفاده از موقعیت خود، شرایط رقابت را برای رقبای دشوار ساخته است.

##### ۵. نتیجه‌گیری

قرارداد عدم رقابت در قامت یک ابزار حمایتی کارآمد می‌تواند به فعالان تجاری در حفاظت از منافع قانونی خود مساعدت وافر نماید؛ اما گاه این وسیله مشروع

چهره‌ای ضد رقابتی به خود می‌گیرد و از صرف یک وسیله مبتنی بر توافق خارج می‌شود. دغدغه حقوق قراردادی آنست که تضییقات قرارداد عدم رقابت چه اثری بر آزادی قراردادی و حق معیشت شخصی متعهد دارد، اما در تحلیل رقابتی که متأثر از اهداف و هنجارهای خاص سیاست‌های رقابتی است، منافع عمومی اقتصادی، کنترل و حفظ بازار و بسترسازی برای رقابت معمول و پیامدهای احتمالی توافق بر سطح رقابت در بازار و لطمات احتمالی به حقوق مصرف‌کنندگان، سنگ محک ارزیابی قرار می‌گیرد. بر این اساس ممکن است توافق عدم رقابت تحت موازین قراردادی بدون نقص باشد، اما تأیید اصول رقابتی را به دست نیاورد؛ به‌ویژه هنگامی که متعهد له توافقات عدم رقابت گسترده و متعددی با اشخاص مختلفی منعقد کرده که بستر انحصارگرایی وی را مهیا می‌سازد.

مطابق رویکرد تثبیت شده و مبتنی بر قواعد حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا، توافقات عدم رقابت اصولاً در شمار تحدیدات مظنون هستند که در صورت انطباق با معیارهای اعلام شده و برخورداری از معقولیت رقابتی یا واقع شدن در قلمرو معافیت‌ها، معتبر قلمداد می‌شوند. در حقوق ایران وضعیت رقابتی این توافق در هاله‌ای از ابهام قرار دارد که ریشه در ضعف عمده و بنیادینی دارد که قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از آن رنج می‌برد؛ یعنی فقدان یک راهبرد روشن و کارآمد در برابر رویه‌ها و توافقات محدودکننده. اساساً این سند به دسته‌بندی تضییقات و ضابطه‌مند ساختن آن‌ها عنایتی نداشته و همین امر مواجهه اصولی با توافق عدم رقابت را که حتی به‌طور صریح نیز مورد اشاره این قانون قرار نگرفته است، دشوار می‌سازد. افزون بر این ضمانت اجراهای مقرر برای توافقات عدم رقابت مخل رقابت، با توجه به اختیارات غیر اصولی شورای رقابت، گاه از منطبق حقوقی فاصله می‌گیرد.

صرف‌نظر از کاستی‌های قانونی، در شرایط کنونی که اعتبار رقابتی قرارداد عدم رقابت دستخوش ابهام است، توجه به نوع نگرش و راهکارهای حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال این توافقات و طریقه ارزیابی توافق مزبور، اتخاذ تمهیداتی روشن و ارائه تفسیرهای صریح و همسو با قواعد رقابتی، از سوی شورای رقابت تا حدودی راهگشا خواهد بود. با وجود این ملحوظ داشتن فضای خاص رقابتی ایران و مؤلفه‌های

بومی، مستلزم عمل محتاطانه و بازنگری در برخی رهیافت‌های مزبور است. برای مثال با توجه به نوپا بودن فضای رقابتی جدید، اعمال تضییقات موضوعی، زمانی و جغرافیایی در قرارداد عدم رقابت که فضای رقابتی ایران تاب تحمل آن را نداشته و سریعاً متأثر از آن می‌شود را باید حتی‌المقدور محدودتر نمود. افزون بر این، نباید منطقه معافیت کلی را در قراردادهای عدم رقابت موسع تعریف کرد تا اشخاص با توجه به غبارآلود بودن فضای اقتصادی و رقابتی و عدم کارکرد قاطع نهادهای نظارتی، مجال سوء استفاده را بیابند.

با وجود این، در موقعیتی که شرط عدم رقابت برای حفاظت از فناوری در قراردادهای اعطای مجوز بهره‌برداری مقرر شده است، با عنایت به نیازهای روزافزون فناورانه کشورمان، برخورد سخت‌گیرانه با شروط عدم رقابتی که برای حفاظت از منافع قانونی دارنده فناوری پیش‌بینی شده‌اند، روا نیست و باید با مسامحه بیشتری با چنین شروطی برخورد نمود تا صاحبان اموال فکری با خاطری آسوده‌تر، مایل به واگذاری دارایی ارزشمند خود شوند؛ اما با عنایت به همین رهیافت و ضرورت تسهیل بستر پیشرفت فناورانه، نباید اعتبار شرط عدم رقابتی که فعالیت‌های تحقیق و توسعه را محدود می‌گرداند و از حجم و سطح ابتکارات می‌کاهد، پذیرفت.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Per se illegal
2. Hardcore
3. Rule of reason
4. Mason v. Provident Clothing & Supply Co [1913] A.C. 724
5. Analysis of restrains of trade
6. Civil Action No. 07-2418-E (Super. Ct. Aug. 7, 2007); Available at: <http://www.socialaw.com/slip.htm?cid=17533&sid=121>
۷. Horizontal agreements
۸. Vertical agreements



<sup>9</sup>. No. 2:2012cv01085 - Document 55 (W.D. Pa. 2012); Available at:

<http://law.justia.com/cases/federal/district-courts/pennsylvania/pawdce/2:2012cv01085/204952/55/>

<sup>10</sup>. Oltrin Solutions, LLC, a company; JCI Jones Chemicals, Inc. 1110078, C-4388 March 2013; Available at: <http://www.ftc.gov/enforcement/cases-proceedings/1110078/oltrin-solutions-llc-company-jci-jones-chemicals-inc>

<sup>11</sup>. Inc., 616 F. Supp. 2d 805 (N.D. Ill. 2009); Available at: <http://www.non-competes.com/2009/03/illinois-court-goes-bananas-over.html>

<sup>12</sup>. Florida Statutes § 542.335 (g)

<sup>13</sup>. 615 F. Supp. 2d 804 (E.D. Wis. 2009); Available at: <http://www.non-competes.com/2009/08/enforceability-of-restrictive-covenants.html>

<sup>14</sup>. Available at: <http://www.non-competes.com/search?q=ebay>

<sup>15</sup>. Case5:12-cv-05869-EJD Document15 Filed01/22/13

<sup>16</sup>. Available at: <http://www.justice.gov/opa/pr/justice-department-requires-ebay-end-anticompetitive-no-poach-hiring-agreements>

<sup>17</sup>. 334 US 110 (1948); Available at:

[http://www.chanrobles.com/usa/us\\_supremecourt/334/110/](http://www.chanrobles.com/usa/us_supremecourt/334/110/)

<sup>18</sup>. Treaty on the Functioning of the European Union; Available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex:12012E/TXT>

<sup>19</sup>. Case COMP/39.736 — Siemens/Areva notified under document C(2012) 4028; Available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=CELEX:52012XC0915%2802%29>

<sup>20</sup>. Case COMP/39.839 — Telefónica/Portugal Telecom (notified under document C(2013) 306 final); Available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=CELEX:52013XC0518%2803%29>

<sup>21</sup>. Commission Regulation (EU) No 330/2010 on the application of Article 101(3) of the Treaty on the Functioning of the European Union to categories of vertical agreements and concerted practices; Available at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:32010R0330:EN:NOT>

<sup>22</sup>. Guidelines on Vertical Restraints (2010/C 130/01); Available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=OJ:C:2010:130:TOC>; para 66

<sup>23</sup>. Excluded restrictions

<sup>24</sup>. Ibid, para. 65.

25. Commission Notice on restrictions directly related and necessary to concentrations (2005/C 56/03) Available at: [http://eurlex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:52005XC0305\(02\):EN:NOT](http://eurlex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:52005XC0305(02):EN:NOT).

26. Guidelines on Commission Regulation (EU) No 316/2014 of 21 March 2014 on the application of Article 101(3) of the Treaty on the Functioning of the European Union to categories of technology transfer agreements; Available at: [http://eurlex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=uriserv:OJ.C\\_.2014.089.01.0003.01.ENG](http://eurlex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=uriserv:OJ.C_.2014.089.01.0003.01.ENG)

27. Commission Regulation (EU) No 1217/2010 on the application of Article 101(3) of the Treaty on the Functioning of the European Union to Certain Categories of Research and Development Agreements; Available at: <http://eurlex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:32010R1217:EN:NOT>

28. همچنین بنگرید به: بند ۴ ماده ۴۴ ق.آ.س.ک.آ که «ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث...» و قسمت ۲ از بند (و) ماده ۴۵ که «وادار کردن طرف مقابل به معامله با شخص ثالث به صورتی که اتمام معامله به عرضه یا تقاضای کالا یا خدمت دیگری ارتباط داده شود» را ممنوع شمرده‌اند.

29. شایان ذکر است که اگر امکان اصلاح یا تغییر عبارت «می‌شود» به «شود» وجود می‌داشت، حکم ممنوعیت به اعمال یک‌جانبه منخل رقابت، محدود می‌گردید.

#### منابع

#### الف. فارسی

رهبری، ابراهیم و کاظمی آهوئی، نجمه (۱۳۹۱). "انحلال و تعدیل قرارداد عدم رقابت: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا". پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۶: ۷۱-۴۵

رهبری، ابراهیم، (۱۳۹۳)، حقوق انتقال فناوری، ج.۲، تهران: سمت

#### ب. لاتین

Alese, Femi, (2008). **Federal Antitrust and EC Competition Law Analysis**, USA: Ashgate Publishing

- Alonso, Lorena, (2008). L'Application de l'Article 81 du Traité CE aux Accords de Transfert de Technologie; Available at: [http://www.minefe.gouv.fr/fonds\\_documentaire/dgccrf/02\\_actuelite/ateliers\\_concu/droit\\_concuf.htm](http://www.minefe.gouv.fr/fonds_documentaire/dgccrf/02_actuelite/ateliers_concu/droit_concuf.htm)
- Anderman, Steven, (2007). **The Interface between IP Rights and Competition Policy**, USA: Cambridge university Press
- Bhagwati, Jagdish N & Hudec, Robert E, (1996). **Fair Trade and Harmonization: Economic Analysis**, USA: MIT Press
- Broder, Douglas & Walker, Julian, (2005), **A Guide to US Antitrust Law**, England: Sweet & Maxwell
- Byrne, Noel & Mcbratney, Amanda, (2005). **Licensing Technology**, England: Jordan Publishing,
- Carstensen, Peter, (2009). "Antitrust and the Deregulation of Telecommunications and Energy"; Available at: <http://www.wisbar.org/AM/Template.cfm?Section=Home&CONTENTID=46545&TEMPLATE=/CM/ContentDisplay.cfm>
- Comanor, William, (1990), **Competition Policy in Europe and North America: Economic Issues and Institutions**, England: Taylor & Francis,
- Decker, Kurt, (1993). **Covenants Not to Compete**, V. 1, USA: Aspen Law & Business
- Dratler, Jay, (2006). **Licensing of Intellectual Property**, USA: Law Journal Press
- Filipp, Mark R, (2005). **Covenants not to Compete**, USA: Aspen Publishers Online
- Guidelines on the application of Article 101 of the Treaty on the Functioning of the European Union to technology transfer agreements (2014/C 89/03); Available at: [http://eurlex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=uriserv:OJ.C\\_.2014.089.01.0003.01.ENG](http://eurlex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=uriserv:OJ.C_.2014.089.01.0003.01.ENG)
- Guidelines on Vertical Restraints (2010/C 130/01); Available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=OJ:C:2010:130:TOC>
- High-Tech Employee Antitrust Litigation, (2015); Available at: [http://en.wikipedia.org/wiki/High-Tech\\_Employee\\_Antitrust\\_Litigation](http://en.wikipedia.org/wiki/High-Tech_Employee_Antitrust_Litigation)
- Hovenkamp, Herbert et al, (2002). **IP and Antitrust: An Analysis of Antitrust Principles Applied to Intellectual Property Law**, USA: Aspen Publishers Online
- Joelson, Mark R, (2006). **An International Antitrust Primer: A Guide to the Operation of United States, European Union, and other Key Competition Laws in the Global Economy**, USA: Kluwer International Publishing

- Johansson, Camilla, (2007). "**Licensing in the Perspective of EC Competition Law**"; Available at:  
<http://gupea.ub.gu.se/bitstream/2077/1945/1/200532.pdf>,
- Kaczorowska, Alina, (2008). **European Union Law**, England: Taylor & Francis
- Kamerling, Alexandra & Osman, Christopher, (2004). **Restrictive Covenants under Common and Competition Law**, Netherlands: Sweet & Maxwell
- Lerner, Arthur et al, (2000). **Joint Ventures in Health Care: An Antitrust Analysis**, USA: American Bar Association
- Lorenz, Moritz, (2013). **An Introduction to EU Competition Law**, UK: Cambridge University Press
- Mäntysaari, Petri, (2009). **The Law of Corporate Finance: General Principles and EU Law**, V. 3, England: Springer
- Modiano, Giovanna, (1998). **Le Contrat de Licence de Brevet**, Suisse: Librairie Droz
- Monti, Giorgio, (2007). **EC Competition Law**, England: Cambridge University Press
- Motta, Massimo, (2004). **Competition Policy: Theory and Practice**, England: Cambridge University Press
- Saferstien, Harvey, (2009). **State Antitrust Practice and Statutes**, USA: American Bar Association
- Subiotto, Romano & Snelders, Robert, (2008). **Antitrust Developments in Europe 2007**, Netherlands: Kluwer Law International
- Thalmann, André, (2001), **La Protection des Réseaux de Distribution Contre le Commerce Parallèle: Etude Comparée des Droits Européen, Français, Anglais, Allemand et Suisse**, Suisse: Librairie Droz
- United Nations, (2003). **Loi type sur la Concurrence: Projets d'éléments Pmportants pour une Loi sur la Concurrence**, USA: United Nations Publications
- Vives, Xavier, (2009). **Competition Policy in the EU: Fifty Years on from the Treaty of Rome**, USA: Oxford University Press.